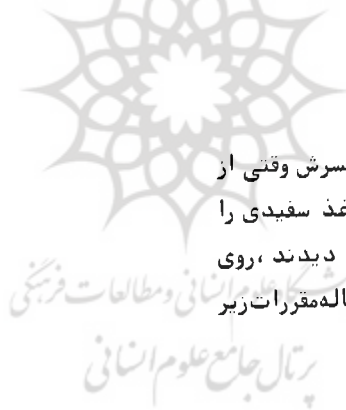


# مقررات برای بزرگترها



سه سال پیش یک معلم مدرسه و همسرش وقتی از میهمانی به خانه برگشتند ورقه کاغذ سفیدی را که بر روی در سالن نصب شده بود دیدند، روی آن دوفروزندشان - دوقلوی هشت ساله مقررات زیر را برای بزرگترها نوشته بودند .

مقررات برای بزرگترها

۱ - بچه‌های خواهند عصرها بزرگترها را ببینند .

۲ - وقتی بزرگتری سئوالی می کند بچه می تواند بپرسد چرا؟

۳ - وقتی بچه‌ای بازی می کند ، بزرگترها نباید آن را قطع کنند .

۴ - بزرگترها نباید با بچه‌ها یا با یکدیگر دعوا کنند .



جوابهای آنها به مطمئن ترین وجهی سری نگه داشته خواهد شد. این اطمینان دادن بچه‌ها را متوجه اهمیت موضوع کرد.

در این ۱۰۰۰۰۰ مقاله می شد — راحتی تصاویری دید از والدین سلطه جو، والدینی که زیاد از حد دعا می کنند، والدینی که به یک بچه بیشتر از بقیه اهمیت می دهند، والدینی که بی — مبالا هستند و والدینی که نسبت به فرزندان خود بی علاقه هستند.

وقتی شروع به جدا کردن، بررسی و مطالعه این مطالب انبوه درباره رابطه بین والدین و فرزندان کردم چندین واقعیت برای من روشن شد.

اول، اکثر بچه‌ها قبل از اینکه شکایت راستین خود را آشکار سازند قدری تأمل کردند نخستین مقررات معمولاً "با شوخی همراه و اغلب شیطنت آمیز بوده‌اند از قانون ۵ یا ۶ بوده که شکایت واقعی، غصه حقیقی، و گلایه‌های راستین را بیان کرده بودند.

دوم، اکثر بچه‌های بزرگتر (بین ۱۲ تا ۱۴ ساله) احساس ناراحتی بیشتری می کردند که از والدینشان انتقاد کنند، در حالی که بچه‌های کوچکتر، با اشتیاق بیشتری خواستار انجام این کار بودند.

چیزی که روان شناسان را متعجب می سازد، این است که بنظر می رسد بچه‌های تمام دنیا دارای گلایه‌های یکسانی هستند. تفاوت بین کودکان ملیتهای مختلف کمتر از آنچه انتظار می رفت بوده.

این ۱۰۰۰۰۰ مقاله کوچک هیچ شکی در مورد عیوب عمده والدین از دید کودکان خودشان باقی نمی گذارد. در لندن اولین کوچولو ۱۱ ساله این عیب را به صورت یک دعا چنین اظهار کرد:

۵ — وقتی بچه‌ای سئوالی می کند، بزرگترها باید جواب دهند.

پدر و مادر به نشانه موافقت آن برکه را موقرانه امضاء کردند.

من، که همان پدر هستم، اول خوشم آمد، اما بعداً در مورد مقررات بطور جدی فکر کردم.

آخر تصمیم گرفتم، ببینم بچه‌های دیگر چه مقرراتی را برای والدینشان وضع می کنند بچه‌های کشور خودم یا قسمت‌های دیگر دنیا.

این شروع تست همگانی بین المللی زیر ۱۴ سال بوده. در این تست من به وسیله روانشناسان، مربیان، مقامات مدارس از حدود ۱۲ کشور حمایت ویاری شده بودم.

در اثنای ۳ سال گذشته، تقریباً "در حدود ۱۰۰۰۰۰ کودک از ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، کانادا، آمریکای لاتین، استرالیا، هند، و ۱۱ کشور اروپایی در این آزمون شرکت کردند.

کودکان از تمام طبقات اجتماعی ممکن بودند. پدران آنها، مردان کارآموزده، کارگران کارخانه کارمندان اداری، سربازان، کسبه، هنرمندان معلمان و سی کاران بودند.

پسران و دختران بین سن ۸ و ۱۴ بودند. خود تست ساده بود، معمولاً "یک معلم یا گروه کوچکی از بچه‌های هم سن و سال صحبت می کرده و برای آنها توضیح میداد که تست از آنها چه انتظاری دارد. او از آنها می خواست تا ده قاعده رفتاری برای والدینشان، آنچه را که دوست دارند والدینشان انجام دهند و آنچه را که دوست ندارند والدینشان انجام دهند رابنویسند. او به آنها هشدار میداد که درابتدایه دقت فکر کنند.

همچنین به کودکان بزرگتر گفته شده بود که

خدای مهربان ، لطفاً "تگذار پایا و مامان اینقدر دعواکند. جان جوان ۱۲ ساله از نیویورک با شدت بیشتری بیان داشت : والدین هیچ وقت حق ندارند دعوای خود را بکنند ، و جین ۱۰ ساله از پاریس به عنوان پنجمین قانون خودنوشته بود وقتی پایا و مامان دعوا می کنند ، یکی از آنها باید فوراً بس کنند .

این جور به نظر می رسد ، والدین که دعوای خود را نمیکنند تاثیر دعوای ایشان را بر روی مغز افراد جوان ناچیز می شمرد . حرفهای خشنی که به زودی از یاد بزرگترها می رود ، ماهها یا حتی سالها در مغز بچهها خواهد ماند و باعث می شود که آنها احساس ناراحتی و ناامنی کنند .

این موضوع بیانگر این است که چرا یک چنین گروه بزرگی از بچههای سراسر دنیا آرزوی خاتمه دعوای والدینشان را کرده اند . کودک از طریق عنوان کردن این آرزو نشان می دهد که میترسد روزی پدر و مادرش یکدیگر را دوست نداشته باشند و در نتیجه دنیای ایمن کوچک او خرد شده و فروریزد .

بعد از قانون دعوای "معمولی ترین شکوه به وسیله بچههایی بود که احساس می کنند در خانه مورد محبت مساوی نیستند . در بیشترین حالات فقط یکی از والدین بنظر می رسد که برتری خاصی برای یک بچه قائل بود و غالباً "وی پدر بود .

بعضی از قانونهای عطف رفت انگیزی به خاطر توجه بیشتر و محبت بیشتر را آشکار میکرد جان "کوجولو ۱۱ ساله ، یک شاگرد ساکت و کم رو نوشته بود " والدین باید تمام فرزندانشان را به اندازه برادران کوچکتر دوست داشته باشند . او برادر ۴ ساله ای دارد . و هیچ روان شناسی نمیتواند موضوع محبت مساوی را فوری تراز

" مارگارت کوجولو " ۱۰ ساله که قانون ششم او این بوده در خانه پدر و مادرها باید فرزندان شان را به طور مساوی دوست داشته باشند بیان کند .

واقعیت جالبی که به وسیله این تست عمومی آشکار شد ، این بود که موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده برای بچه خیلی مهم نبوده حساب بانکی و موقعیت اجتماعی پدر چندان اهمیت نداشت خوشحال کردن یک بچه به پول زیادی نیاز ندارد یک خانه خوب به کودک ، محبت ، ثبات و امنیت می بخشد این به بچه احساس تعلق به گروه کوچکی از مردم ( خانواده ) را میدهد که مهربانترین نظرها نسبت به تقصیرهایش دارند . معلمین و رفقه‌ها را با در نظر گرفتن موقعیت بچه در کلاس نمره داده بودند . به این طریق برای روان شناسان امکان داشت که بچهها را بر اساس پیشرفتشان در مدرسه گروه بندی کنند .

بعداً " معلوم شد که بچههایی که شکایات جدی نداشتند نسبت به آنهایی که گلایه‌های جدی یا یک غصه پنهان داشتند شاگردان بهتری بودند . در بعضی موارد معلمین گزارش دادند که آنها قادر بودند بطور غیر مستقیم به والدین بی فکر نصیحت کنند . . . . و این به پیشرفت مداوم شاگرد در مدرسه منجر شده بود .

به طور کلی ، دختران بیشتر از پسران گلهمند بودند . بچه های آنگلو ساکسون ، کمتر از بقیه گروهها شکایت داشتند ، اکثر بچهها وظیفهشان را به اندازه کافی جدی گرفته بودند و فقط ۳ درصد شان مسخره یا شرور بودند .

گرچه بچهها تقریباً " حدود یک میلیون قانون مختلف نوشته بودند ، بسیاری از شکایات و پیشه‌ها بطوری یکسان بودند که تعداد آنها به ۴۱۶ قانون متفاوت کاهش یافت .

جمعا " ۲۶۴۰۸ کودک از والدین ستیزه جوید کرده بودند. قانونی که می گفت والدین باید با تمام فرزندان با محبت مساوی رفتار کنند، از طرف تقریبا " نصف بچه ها که برادران و خواهران کوچکتر داشتند بیان شده بود، اما تمام آنها بطور جدی احساس نمی کردند که والدینشان از آنها غافل شده و یا در حقشان بی عدالتی کرده اند .  
 درباره خود والدین نظرات این کودکان را می-  
 توان به صورت زیر ردیف کرد :

والدین بدون عیب ۴۰۰ نفر  
 والدین عالی ۴/۵۰۰ نفر

شیگاگو یا لندن خوب است .  
 این قوانین عبارتند از :

- ۱- در حضور بچه هایتان دعوا نکنید .
- ۲- با تمام بچه هایتان با محبت مساوی رفتار کنید .
- ۳- هرگز به بچه دروغ نگوئید .
- ۴- باید گذشت دوطرفه بین والدین باشد .
- ۵- باید بین والدین و بچه ها همدمی و رفاقت باشد .
- ۶- از دوستان فرزندانان هنگام آمدن به منزلتان استقبال کنید .



بزرگترها نباید با بچه ها یا با یکدیگر دعوا کنند .

- ۷- همیشه جواب سئوالات فرزندانان را بدهید
- ۸- هرگز فرزندان را در حضور دوستش تنبیه یا سرزنش نکنید .
- ۹- به نکات خوب فرزندانان توجه کنید و از آن تمجید کنید ، اشتباهات آنها را بیش از حد ناکید نکنید .
- ۱۰- در محبت و حالات خود پیوسته و ثابت قدم باشید .

والدین خیلی خوب ۲۳/۰۰۰ نفر  
 والدین مورد قبول با امتیاز ۷۰/۰۰۰ نفر  
 والدین بی تفاوت ۲۰۰۰ نفر  
 والدین بی فکر و بی انصاف ۱/۵۰۰ نفر  
 والدین بی مهر و ظالم ۵۴ نفر  
 بودند .

ما از میان ۱۰۰/۰۰۰ سری جواب ۱۰ قانون طلائی را برای والدین دسته بندی کردیم ، این قانونها بطور مساوی برای مردم لوس آنجلس، رم